

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سروش
۲۱ مارچ ۲۰۲۲

نوروز، روز زایش و بالندگی

این فرخنده فروردین و خرم جشن نوروزی

"نصیب خلق زحمتکش" سعادت باد و پیروزی

بهار نو، سال نو و نوروز را به امید نابودی دشمنان سعادت و سربلندی خلق افغانستان، دشمنان فرهنگ و آئین نوروزی و پایان سیطره و توحش طالبان تمدن ستیز، می آغازیم.

روز آفرینش، روز جلایش و روز زیبایی های طبیعت را برای پاسداران آئین نوروزی در مشرق زمین، برای همه زحمتکشان، برای تمام خلق های زیر ستم که بهاران را نمادی از آزادی و رهائی از اسارت نه تنها از شر سرما و یخبندان زمستان، بلکه از مظالم ستمگران و روز مرگ ستمگستران می دانند، مبارک باد می گویم و به امید سربلندی، سرافرازی هم میهنان مظلوم، برای رفاه ستمدیدگان و زحمتکشان کشورم در راه رسیدن به آزادی در کلیه عرصه های زندگی؛ روز نو، سال نو و زندگی و رزمندگی نو را می طلبم.

نوروز همان طوری که روز رستاخیز طبیعت و زایش و تحرک پدیده های طبیعی است، همپای طبیعت و به همان سیاق خلق اسیر و دربند ما، روشنفکران آگاه و مردم دوست ما، پیشگامان و مبارزان آزاده ما، انقلابیون راستین و دلیر ما را الهام تازه بخشیده و به تحرک و پویایی فرامی خواند.

نوروز در حالی در کشور ما و منطقه از راه رسید که "یخ سکوت زمستان سرد" سلطه دره و تازیانه مزدوران فاشیست طالبی، هر چند گذرا، اما زندگی را به کرختی باور نکردنی کشانده است. این یخ سکوت زمستان باید بشکند، این پیام نوروز و قدوم بهار است. برای شکستن این یخ سخت و سنگین، به، قول زنده یاد سردمدار، " صدای چهچه مرغ طلایه دار بهار" نیاز است. لذا بر همه آحاد ستمکش در صف خلق تحت ستم و طیف های مبارزاتی راستین و استوار کشور است تا با الگو و الهام گیری از این رستاخیز طبیعت و قدوم بهار، با خیزش مجدد در راه اتحاد و همگرایی مبارزاتی همراه با تمام خلق های دربند جهان، علیه امپریالیسم و کلیه غلامان قلاجه به گردن شان شوریده - و به ویژه در بهار نو با ستیزه گران جاهل و خرافات پرست و ظلمت پسند طالبی این شب های سرد زمستانی که با طبیعت و ناموس آن، با رویش و بالندگی، با بهار و فرهنگ نوروزی سر ستیز دارند - متحدانه برزمند.

آری، ارمان شهدای راه آزادی و انقلاب کشور و فاشیسم، تبعیض و رویکرد ضد انسانی مرتجعان حاکم طالب در همدستی با امپریالیسم و ارتجاع جهان "اسلامی" در راه آزادی و استقلال برای نابودی فاشیسم طالبانی و کوتاه شدن دست تطاول پشتوانه اش، و سائر ستمگران و زورگویان تمامی طیف ها و جناح های ارتجاعی دینی، مذهبی، قومی و

سمتی به پا خاسته و درفش آزادی را در نوروز، در روز نور، در سال نو به نام روز آزادی زحمتکشان به اهتزاز در آورده و در ادامه و با هنگامه آن، کشور را از لوث این همه مزدوران، جلادان، غارتگران، شکنجه گران، زن سنیزان، منکران نوروز، تاریک اندیشان کوردل و ستیزه جویان طالب و طالب نمای مخالف آئین ها و ارزش های پسندیده و مترقی افغانی و انسانی در مجموع، دشمنان داخلی و خارجی خلق ما؛ منزله ساخته و آنگاه بایسته است که قاطبه ملت ستمدیده و زنان و مردان زحمتکش رهیده از بند ستم و استثمار و تبعیض طالبی و غیر طالبی، در این روز جشن شادی و آزادی بر پا کنند.

امسال این روز آفرینش زیبایی های طبیعت، بهار دل انگیز و جلوه های جمال طبیعت را در حالی تجلیل می کنیم که مادر میهن و فرزندان آن اسیر اهریمن اند و در گستره میهن در بند ما فقر و گرسنگی، بی عدالتی، جهالت و سنگدلی، خرافات و بیگانه پرستی، فرهنگ و دانش ستیزی، زورگوئی، زن ستیزی، نژاد پرستی، فاشیسم، انسان ستیزی، شرارت و بردگی، محاکم صحرائی و سنگسار و جهالت قرون وسطائی حکم فرما بوده و به هنجار و قانون اساسی نظام دار و تازیانه طالبی، به رویکرد و سیاست رسمی "امارت اسلامی" ددمنشان طالبی مبدل شده است.

در تحت سلطه خونبار و اسارتبار مزدوران خون آشام و فاشیست اسلامی طالب، مردم بلاکشیده ما با دار و تازیانه، با خشونت سیستماتیک آشکار، با فقر و گرسنگی، با بی نوائی و بی درمانی، با مرگ و میر ناشی از امراض و سوء تغذیه، با شکنجه جسمی و روانی، با زندان و چهاردیواری منزل، با خشونت و شرارت خودفروختگان فاشیست های طالبی مواجه بوده و قاطبه ملت نامتحد و بلا تکلیف شامل زنان و مردان زحمتکش، بی حقوق و ستمکش را مثنی از غلامان و جلادان مرتجع و مزدور دینی وارد شده از بیرون به نام طالب، به گروگان گرفته اند. در تحت توحش اسلامی طالبان و امارتش، ربودن روز هنگام یا شب هنگام جوانان، نوجوانان، دختران و زنان معترض و حق طلب و به رگبار بستن و زندانی ساختن فرهنگیان، آوازخوانان و به بند کشیدن اهالی رسانه ها، به امری معمول مبدل شده و "نوروز" حرام و غیراسلامی خوانده شده است.

حدود بیش از سی و پنج میلیون هموطن تحت ستم، زخمی و محتاج ما با تحقیر، توهین و جدال مرگ و زندگی مواجه بوده و توسط عمال و باند های آدمکش طالبی امپریالیسم به طور عمده، نان صبح و شام آنها از دست شان گرفته شده است. مزید بر آن، این کتله چندین میلیونی محروم و سراپا در رنج و حرمان، توسط نودولتان فرهنگ ستیز و انسان ستیز، از آزادی های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و از برگزاری روز های فرهنگی و تاریخی کشور و مردم افغانستان مثل نوروز و بر پا داشتن خوشی ها و مراسم و مناسک عنعنه ئی و آنچه را که برای شان آرامش و خوشی می بخشد، محروم شده اند.

در حالی که در کشور های همسایه همزبان و همکیش و هم آئین و هم فرهنگ ما با وجود نظام های استبدادی، به رغم لجاجت برخی حکام اسلامی، ولی به یمن ایستادگی پاسداران فرهنگی؛ سال نو، روز نو و نوروز با فر و شکوه خاصی توسط مردمان آن سرزمین ها برگزار می شود؛ متأسفانه امسال در سراسر محدوده جغرافیای میهن ما که شلاق به دستان طالبی به قوت و زور امپریالیسم متجاوز و "آی اس آی" دولت خصم پاکستان بر ملک و ملت ما تحمیل شده اند، ثروت های طبیعی و خدادادی ما را حراج و آن چه نوروز در آفرینش طبیعت در فضای وطن عزیز ما از سبزه و چمن، از گل نسترن و یاسمن به ارمغان آورده، با ساز و برگ نظامی، با ذهن کور ارتجاعی و بیگانه پرستی مذهبی شان، میمون وار و بدون تعقل به دستور ارتجاع متحجر اسلامی عرب و عجم، دشمنی می ورزند. طوری که قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی بیرونی از موضع منافع متضاد طی جنگ های نیابتی طولانی شان برای قدرت و از مواضع ارتجاعی - استعماری، کشور ما را به تل خاکی مبدل کرده اند، امروز هم کماکان می نمایند و این جانیان و

"فرزندان خلف" طالبی استعمار - ارتجاع آئین داران نروزی را مانع برپائی خوشی ها و پاسداری از ارزش های شان می شوند و با توهین و تحقیر مردم ما را با ارزش ها و اندیشه های خرافاتی، جهالت پرور، بدوی، تمدن ستیز و بیگانه، نشاط و خوشی های مردم ما را سد می شوند و مراسم بزرگداشت نروز را با هزار و یک نیرنگ و فتوا به استناد این مزخرفات مذهبی مانع می شوند. از تراوش مغز های پوچ و ستیزه گر و جنایتکارانه خود زیبا ترین واژه های ستوده شده را به زعم خود و به غلط در ردیف منکرات می پندارند.

طالبان و کلیه شاخه های اسلام سیاسی و بنیادگرایان مکتب سوز، زن ستیز و فرهنگ ستیز مثل جهادی ها، این دشمنان قسم خورده آزادی مردم و دست پروردگان امپریالیسم غدار با دیو صفتی هائی که در نهاد شان است، از دیرباز تا حال خلق مظلوم ما، هم میهنان دربند و آواره داخلی ما را، در حالی که روز های نروز را می خواهند در وطن آبائی و در پهلولی خانواده های خود باشند و مراسم نروزی را جشن بگیرند، با قساوت و بی رحمی به نام قوم و قبیله و زبان؛ تفرقه و برتری طلبی را دامن زده و معتقدات شوونیستی و سیاست های فاشیستی و دیدگاه ها و مواضع ضد انسانی شان علیه زنان در حاکمیت بدوی و بیگانه قبیله ئی نظام بردگی شان را به اجبار می گسترانند و بر دیگران تحمیل می کنند. مرگ و نفرین بر این جنایتکاران!

همان گونه که سرسبزی، درخشندگی، شکوفائی درختان در بهاران، طلعیه پیروزی حیات بر ممات و پویائی بر ایستائی و زایش بر فرسایش است، به قول شاعر:

آدمی نیست که عاشق نشود فصل بهار هر گیاهی که به نروز نجند، حطب است

نروز نمادی از پیروزی عنصر نیک بر بد یا به تعبیری (اهورا بر اهریمن) در نبرد میان بهار و زمستان است، به همین گونه نمادی است از سالگرد بیداری طبیعت از خواب زمستان، که به رستاخیز و زندگی توأم با سازندگی و رزمندگی می انجامد. نبرد زندگی علیه کرختی در طبیعت، در عرصه اجتماعی و تاریخی در مبارزه اهورا بر اهریمن اجتماعی (فعلاً طالب، پایگاه طبقاتی و حامیان بیرونی اش)، الهام بخش و تحرک انگیز است.

بدین مناسبت خجسته، امیدوارم تا همزمان با این هدیه طبیعت - پویائی و خلق زیبایی ها و شکوفائی ها - پیام نروزی برای هم میهنان، همزمان و همسنگران انقلابی و آزادخواه، همکاران فرهنگی، قاطبه خلق دربند و کلیه همباوران فرهنگی - زبانی خود با امید زوده شدن تمام مصائب، ستمروائی، آلام و درد های شان در نبرد علیه اهریمن اجتماعی و ستم طبقاتی و استبداد و حاکمیت جهل قرون وسطائی ارتجاع مذهبی اجبران خودفروخته طالبی و اهریمن امپریالیستی داشته باشم. بگذار با الهام گیری از حیات مجدد طبیعت، ما نیز در ادامه مبارزه رهروان راه انقلاب و آزادی پویش خود را جان تازه بخشیده و با رستن و رویش مجدد جان تازه گرفته و در راه آزادی، آبادی و شادابی میهن آبائی و سربلندی، رفاه و سعادت دنیوی خلق حرمان کشیده و مصیبت دیده در افغانستان آزاد، دموکراتیک و پیشرو، رهنوردی کنیم.

سخنور شهیر زبان پارسی دری فردوسی نروز را یادگاری از آن سوی زمانه دانسته که به نسل های بعدی در یک قلمرو گسترده فرهنگی - زبانی به ارث رسیده و در باب نروز چنین سروده است:

"چنین جشن فرخ از آن روزگار به ما ماند از آن خسروان یادگار"

و فقط آنگاه است که توده های خلق با ارتقاء به مقام سروران و خسروان برابر، آزاد و همتراز، قادر خواهند شد تا این یادگار و ودیعه پارینه را گرامی داشته و هر سال این جشن فرخنده را با پایکوبی، سرور، نشاط و آزادی بدون قید و شرط و طبق آئین آن بر پا دارند.

زنده باد مردم فرهنگ دوست و آزادی دوست افغانستان با آئین های نروزی شان!
مرگ و نفرین بر مزدوران طالبی فرهنگ ستیز و پشتوانه طالب پرور آن!